

۱۶۱۷۵۱۴

از سوزِ دلِ هزاره زخم

ترجمه پروانه هایلی از: زادمهر همیشه پارسى
(چاپ من توگلی رودسرى)



از سوز دل هزاره زخم

(چاپ دوم با نوشته ها و سروده های بیشتر)

زخمسروده هایی از: زادمهر همیشه پارسی

(حسن توکلی رودسری)

ناشر: انتشارات ایرمان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۸۱-۰۰-۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مولف می باشد



تهران: خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۳۰، طبقه دو

تلفن: ۶۶۴۹۲۲۲۷ - ۶۶۴۷۹۸۵۶

سرشناسه: توکلی رودسری، حسن، ۱۳۴۸ - عنوان و نام پدیدآور: از سوز دل هزاره زخم / زخمسروده هایی از زادمهر همیشه پارسی، حسن توکلی رودسری. مشخصات نشر: تهران: ایرمان، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۱۶۳ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۸۱-۰۰-۵ وضعیت فهرست نویسی: فیفا. موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴. رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف ۶۳۷ و/ PIR ۷۹۹۴ رده بندی دیویی: ۸۶۲/۱ فا ۸ شماره کتابشناسی: ۵۳۰۳۰۱۵

نمایه سروده ها

- ۲۰... از سوز دل هزاره زخم : من سوز دل زبانه زخم.....
- ۲۲... خریادی از هزاره بیداد : از سوز هزاره ای که چرکین است.....
- ۲۴... «از هزاره بیداد» : من که ز هزاره ستم زادم.....
- ۲۶... «زمانه بیداد» : سرت بر این زمانه بیدادست.....
- ۲۸... «فردوسی بزرگ» ای که تورستن در خاک وریشه من.....
- ۳۱... «فردوسی همیشه بزرگ» : من بجره ز چشم دلی بازسوی تست.....
- ۳۳... «بنیاد جاوید زادمهر پاریسی» : از یاد مهر پاریسی زادم.....
- ۳۵... «روزگار ما: سیاهه ای از بی مهری و نامهربانی» : من زاده خشم.....
- ۳۷... «روزگار ما: پیکری زخمی...» : تشنه ام برین محاسن سجوی من دریا.....
- ۳۹... «ازدهای اغنیاد...».....
- ۴۱... «تارنمایی از روزگار امروز: «روزگار دژخیم» : بس آه و رچان اینسان.....
- ۴۳... «تارنمایی از روزگار امروز: «روزگار نامرد...» : روزگار نامرد است.....
- ۴۵... «روزگار ما: زمانه شوم» : دریا دلی شکسته در ساحل نشسته.....
- ۴۷... «دیو جنگ».....
- ۴۸... «روزگار ما: زمونه «تنگ» : آتش گرفته خونه می سوزه آشیونه.....
- ۵۰... «بیداد...» : شب ما خسته دل و زخمی بیدادست.....
- ۵۱... «رستاخیز...» : شب ما زنده تر از روز بیداری ماست.....
- ۵۳... «فریاد...» : از غم جانکاهی، شب ما دلگیرست.....
- ۵۴... «خیزش...» : درد دل خلوت شب، لوزه خیزش ماست.....

- ۵۵..... «توفان...»: شب آسایش ما یک جهان توفانیست.....
- ۵۶..... «ریشه ها...»: گرچه از دست تبر، شاخه هامی ریزند،.....
- ۵۷..... «زمستان»: زمستانست و سوز سخت سرماست.....
- ۵۹..... «زمستان»: ز سوز سخت سرما همچنان افسرده جان ما.....
- ۶۱..... «مرگ شب‌دیز»: نوای بارید این بار، ساز مرگ شب‌دیزست.....
- ۶۴..... «نمی ترسم...»: ز نیروی دلیری همچنان چون شیر می غم.....
- ۶۶..... «گیله رد»: گيله مردم از زمین سبز گیلان بلند.....
- ۶۹..... «سرزمین جاودانه همیشه بزرگ شوش»: ای جان زخم‌دیده.....
- ۷۲..... «پارسه گد(د): (سارگا): باوید»: خاک تو از بهشت و جای تو آسمانست.....
- ۷۴..... «آرزوی میهن...»: سب و من در راه.....
- ۷۷..... «ایران همیشه بزرگ پارسی»: پرتو گوهر خدایی.....
- ۸۰..... «ایران بزرگ همیشه پارس»: ای تو پاک آسمانی.....
- ۸۳..... «تنب بزرگ و کوچکت ایران! (عین است).....
- ۸۵..... «تنب بزرگ و کوچکت ایران! برای سب.....
- ۸۷..... «شاخاب همیشه پارس»: تابان ز خورشید ایرانست.....
- ۸۸..... «شاخاب همیشه پارس ایران»: ایران به نام تو.....
- ۹۰..... «دریای همیشه پارس ایران»: خونی همیشه تبند در دل ایران.....
- ۹۲..... «شاخاب همیشه پارس»: ای از گوی تشنه، نام بلند ایران.....
- ۹۴..... «شاخاب همیشه پارس»: ای پرتوت ز گوهر جام خلیج فارس.....
- ۹۵..... «شاخاب همیشه پارس»: بر چشم تاریخ می تابد نام خلیج همیشه فارس.....
- ۹۶..... «دریای همیشه مازندران»: درخون منی که می خروشی.....
- ۹۹..... «پارسی...»: می تابی و فروغ درخشان تراز تونیست.....
- ۱۰۰..... «تهران: پایتخت ایران»: این بهشت جاویدان پایتخت ایرانست.....
- ۱۰۲..... «شهرماخونه ماست»: شهرماخونه ماس. خونه مون بهشت ماس.....

- «آرزوی تو...»: تابی کرانه های جهان جستجوی تست..... ۱۰۴
- «در آرزوی تو...»: ای تاهمیشه دردو جهان آرزوی من..... ۱۰۶
- «...در آرزوی تو... که کی می آئی؟»: خشکید خاک آرزو..... ۱۰۸
- «در آرزوی تو... که کی بیائی...؟»: ای تا فراسوی مبادا جستجویم..... ۱۱۱
- «بی تو از خوبی هیچ نماند»: خوشتر از بوی تو در جانها نبود..... ۱۱۳
- «...تاتر...»: تا تو تا مرز خطر پا می دارم..... ۱۱۵
- «...کوچ دلگیر تو...: بی تو بر زمین من ابرهای دلگیرند..... ۱۱۶
- «...کوچ...»: بیا شهر آرزو به شهر قصه ها بریم..... ۱۱۷
- «...ترانه ای در غره ب...»: در ترانه مرگی شادمانه می می رم..... ۱۱۸
- «...از مرگی زید...»: نزار با رزیای خود تنها بمیرم..... ۱۱۹
- «سونامی»: ناگاه زندگی رت. ادای عشق، خاموش..... ۱۲۱
- «نشان شیروخورشید»: نبر با ریشه ازان وید..... ۱۲۳
- «نشان شیروخورشید»: ترا که به نشان از خدا بود..... ۱۲۵
- «دشمن...»: در نشان تو دشمنانگی از ستماریست..... ۱۲۷
- «دشمن...»: ننگ بر تو ای دشمن. من ترا نمی خورم..... ۱۲۹
- «چارانه ها»..... ۱۳۱
- «شاخاب همیشه پارس»: فریاد گلوی تشنه ات ایرانست..... ۱۳۱
- «سرو بر پای جاودانه پارسی»: از ریشه سبز پارسی می رویم..... ۱۳۲
- «تماشای تو...»: ای چشم بهار در تماشای تو مست..... ۱۳۳
- «یاد تو...»: هر چند که از دیدن تو دیر گذشت..... ۱۳۴
- «کینخواهی سیاوش، جاودانه است»..... ۱۳۵
- «مرد خدا»: ای نام تو آشنای مردان خدا..... ۱۳۶
- «تو خوبی»: ای مهر خدا ز پرتوی پنهانی..... ۱۳۷
- «پس از خدا تو بهترینی»: ای مهرتویی کرانه ای جاویدان..... ۱۳۸

- ۱۳۹..... «تو پرتو خود فروزی از خورشیدی»
- ۱۴۰..... «آوای توام که جاودان می خوانم»
- ۱۴۱..... «در بستر انتظار من توفانی»
- ۱۴۲..... «در بستر لحظه های رؤیایی تو»
- ۱۴۳..... «تارنمایی از روزگار امروز (دروغ، پستی و...)»: در هیچ زمانه.....
- ۱۴۴..... «دروغ»: گفتند که ما فروغی از خورشیدیم.....
- ۱۴۵..... «یکپارگی»: هم میهن من! برادر و خواهر من!.....
- ۱۴۶..... «دشمنان کورما...»: خفاشانی که دشمن خورشیدند.....
- ۱۴۷..... «تارنمایی از روزگار امروز (فریاد...)»: درمن که فغان.....
- ۱۴۸..... «تارنمایی از روزگار امروز (زندان، بیداد...)»: آنرا که گلو و سینه ای.....
- ۱۴۹..... «تارنمایی از روزگار امروز (زمانه نامرد...)»: شبگرد زمانه.....
- ۱۵۰..... «تارنمایی از روزگار امروز (نریز، روانه)»: بدتر ز زمانه ای.....
- ۱۵۱..... «دوزخ»: اینجا به بهار روح، بیداد مید.....
- ۱۵۲..... «عشق»: جا مانده ای از قافله دراین ص.....
- ۱۵۳..... «آرزو»: توفانی ام از چنین شب تنهایی.....
- ۱۵۴..... «امید»: ای ابر برین کویر بی رنگ بار.....
- ۱۵۵..... «چشم‌براه تو»: در کران دریای تو و تنهایی.....
- ۱۵۶..... «چشم بارانی»: در حسرت‌م از نگاه پایانی تو.....
- ۱۵۷..... «... توفانی»: در کران این غروب رؤیایی تو.....
- ۱۵۸..... «... آواره»: آواره ام از فکر بیابانی تو.....
- ۱۵۹..... «... دلگیر»: رفتی و هوای خانه ام دلگیرست.....
- ۱۶۰..... «تو دهنی به گزافه گوئی فیلم ۳۰۰»
- ۱۶۲..... «برابرهای گهرواژه گان ارزشمند پارسی»